

شهادت ۳ مرزبان در درگیری با اشرا مسلح

درگیری مسلحانه مرزبانی هنگ مرزی سرشدت با اشرا مسلح منجر به شهادت ۳ نفر از پرسنل این مرزبانانی شد. مرزبانان هنگ مرزی سرشدت حین کنترل پایش نوار مرزی و شناسایی تعدادی از اشرا مسلح که قصد نفوذ به کشور را داشتند، با این افراد درگیر شدند. در این عملیات مسلحانه چندین نفر از اشرا به هلاکت و ۳ نفر از مرزبانان نیز به شهادت رسیدند.

بازداشت مدیران سابق شهرسازی استان

چند مدیر ارشد خراسان رضوی که در دوره قبل مدیریتی اداره کل راه و شهرسازی در پست‌های مختلف مشغول به کار بوده‌اند، به اتهام اختلاس بازداشت موقت شدند. به گزارش خبرگزاری فارس، «ه‌الف» مدیر مسکن، «رج» رئیس اداره درآمد و هزینه‌های عملیاتی و «م‌الف» رئیس اداره حقوقی از جمله مدیرانی هستند که به اتهام اختلاس در بازداشت است. می‌برند. «ه‌الف» مدیر مسکن در زمان این اختلاس، بعدها به عنوان مدیر کل نیز در این مجموعه مشغول به کار شد که این اتهام مرتبط، به دوره پیش از آن برمی‌گردد. تحقیقات در این پرونده ادامه دارد. گفتنی است؛ چهارشنبه گذشته دادستان مشهد بازدید از اراضی تحت تأثیر زمین‌خواری مرتبط با این پرونده داشته‌است که اقدامات قضایی و بازداشت متهمان پرونده پس از این بازدید سرعت بیشتری گرفته‌است.

مرگ راننده ۱۸ ساله و کودک ۶ساله در واژگونی خودرو

یک دستگاه خودرو سواری پژو ۴۰۵ در شهرستان تایباد دچار حادثه واژگون شد. رئیس پلیس راه تایباد به این‌ها گفت: در پی اعلام یک فقره واژگونی خودرو در جاده خیرآباد - مشهدریزه بخش میان ولایت این شهرستان، تیمی از نیروهای انتظامی و امدادی به محل وقوع حادثه اعزام شدند. به گفته سرهنگ عباسعلی یزدانی‌نیا، در این حادثه راننده هجده ساله خودرو در دم جان باخت و یکی از سرنشینان آن که کودک شش ساله بود به بیمارستان خاتم‌الانبیاء شهر تایباد منتقل شد که به علت شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد. کارشناسان پلیس راهنمایی و رانندگی شهرستان تایباد علت وقوع این حادثه را از ایجابی‌نظامی راننده و سرعت غیرمجاز اعلام کردند.

گریز (قسمت اول)

ایلیا موسایی

پرده اول

پسرک جوانی که وسط بیابان دست‌شویی‌اش گرفته بود پیر مرد را کشت. تیغه موکت‌بری بافت‌های چوب‌کوبه و پیر را چنان راحت شکافت که پسرک حس می‌کرد قالب کره را می‌پزد. قبلش به پیر مرد گفته بود: «بخشید. هرطور حساب کردم باید بمیری» و تیغ و کشیده بود روی گردن. شلخته و ترسان این کار را کرده بود. برای همین در زخم کج مردم آمد و تیغ، تا استخوان ترقوه رسید و صد داد. **پرده دوم** اسمش مرتضی بود. ساک ورزشی کوچکی داشت که پوک و توخالی می‌زد. مدام با گوشی‌ور می‌زقت و دوروبر را مثل ترسیده‌ها می‌پایید. مسیر مشهد تا سرخس را با همین مینی‌بوسی آمد که پیرمرد آن را می‌راند. موه‌های پیرزال یکدست سفید بود و مژه‌های سفیدپرفش از پشت شیشه‌قطور عینک‌درشت‌تر دیده می‌شدند. موقع رانندگی چشم‌هایش را مثل موش‌کور زیر می‌کرد و به جلو خم می‌شد. تمام راه، حتی در مسیرهای خاکی طولانی، دقتش به جلو بود. با شلخته‌های ولنگاری که مینی‌بوس می‌رانند فرق داشت. برای همین مرتضی قبل از سوار شدن، توی ایستگاه‌ها و رانسان کرده بود. نوبت جوانک سیگاری بود که دونفر کم داشت و مدام داد می‌زد: مشهد یک نفر حرکت. اما مرتضی گفته بود منتظر همین ماشین می‌ماند.

میانه‌های راه بود که گوشی‌ور مرتضی زنگ خورد. آرام گفت: «مادر جان اون بر گله‌ای که بهشت دادم و کالته با همون می‌تونی بفروشی‌اش» ظهر داغی بود و رشته‌روشنی که از پشت شیشه روی ساعد مرتضی می‌تابید پوستش را می‌سوزاند. گفت: «یعنی یک‌نگاه تو مشهد نیست که ماشین بخره؟» یکی از مسافرها پانچ بدست‌آب تعارف کرد. مرتضی بادست اشاره کرد که نه. «ماشین تمیزه مادر. کمتر از چهل راه نداره. خودت به کاری‌اش بکن دیگه. گیر نکنم پشت مرز.»

نزدیکی‌های سرخس بود که متوجه شد مسافران کم و کمتر می‌شوند. راننده سفیدبرفی همان اول کرایه‌ها را گرفته بود. بعد دسته مرتب‌شده اسکناس‌ها را گذاشته بود توی داشبورد قدیمی که روکش نازک چرمی داشت. مسافرها دم راه‌پیکه‌های خاکی و آفتاب‌زده‌ای که به روستاهای حاشیه می‌رسید، پیاده می‌شدند. آن قدر کم شدند که مرتضی میانه راه بیابانی، متوجه شد توی مینی‌بوس فقط خودش است با راننده. پیرزال تمام راه گذاشت روی نشیمن صندلی. نزدیک راننده رفت و گفت: «حاجی همین جاها نکه دار دشسویی دارم» راننده با چشم‌های ریز زنگ و رورفته نگاهش کرد. گفت: «ده دقیقه دیگه می‌رسیم». مرتضی گفت: «تنده» شیشه‌بزرگ مینی‌بوس، بیابانی خاکی را نشان می‌داد که زیر آفتاب زرد بود و چشم را می‌زد. پوته‌های خارخلسک که از پشت شیشه‌ها، تند و تیز می‌گذشتند آرام شدند و ایستادند. مرتضی دست کرد توی جیبش. گفت: «بخشید. هرطور حساب کردم باید بمیری» تیغ موکت‌بری را محکم کشید روی گردنش. پیرزال فقط دست گذاشت روی شکافی که خون از آن شکت می‌زد روی شیشه‌ها. از روی صندلی افتاد. پایش بین دنده دراز و پایه صندلی گیر افتاده بود. بعد تقلا‌هایش کند و یواش شد.

مرتضی ساکش را برداشت داشبورد لق‌لقو را باز کرد و تمام پول‌ها را ریخت توی ساک. چهارلیتری آب را از انتهای مینی‌بوس برداشت و شیشه‌ها را شست. آبی که از شیشه‌ها شوره می‌کرد با خون غلیظ‌شده کف مینی‌بوس قاتی می‌شد. مرتضی تمام آبی که دم دستش بود را روی کف مینی‌بوس خالی کرد. دستگیر و دستگیر پیرمرد را توی سالن پارک‌بین صندلی‌ها کشید و تا انتها برد. خودش نشست پشت فرمان و تا نزدیکی‌های شهر رفت. اولین مغازه‌ها که پیدا شدند مینی‌بوس را پارک کرد. گوشی‌زنگ خورد. مادرش بود. «نه مادر باید بگی در جریان هیچی نیستی و گر نه محکومت می‌کنن. بگو من اصلا خبر نداشتم. الانم بنگرانی نداره تا احضار به بیاد و بخوان دنبال بیفتن من از مرز رد بشدم. شما فقط تو فکر فروش ماشین باش» بعد گفت: «باشه چشم. ناراحت نباش حل میشه... اتفاقیه که افتاده.»

زیر آفتاب تند تیرماه از مینی‌بوس پایین آمد و پیاده راه افتاد. (ادامه دارد...)

شوهر م‌می خواست «رومینا» خودکشی کند

جزئیات تازه از پرونده قتل رومینا اشرفی با اظهارات جنجالی مادر مقتول

مهدی قرآنی

m.ghorani@shahraranews.ir

با اینکه می‌دانست ۱۵ سال از مرد رؤیاهایش کوچک‌تر است چرا با او فرار کرد؟ با اینکه در بین روستا پیچیده بود که پسرک دختر دیگری را هم در گذشته فراری داده، چرا همچنان بر عشقش با پایا بود؟ چرا اصلا از خانه فرار کرد؟ چرا پلیس برخلاف اینکه دخترک گفته بود پدرش او را خواهد کشت، به جای اینکه او را برای مدتی کوتاه تحویل بهزیستی بدهد به پدرش تحویل داد؟ چرا مسبب اصلی این جریان یک مرتبه بازداشت و آزاد شد؟ این‌ها سوالاتی هستند که این روزها در مورد پرونده جنجالی رومینا، دخترک سیزده ساله‌ای که مورد خشم پدرش واقع شد و با داس به قتل رسید، در فضای مجازی مطرح می‌شود و در مقابل پاسخ‌هایی سطحی به آن‌ها داده می‌شود. شاید مرور دوباره این ماجرای هولناک و همچنین کنار هم قرار دادن پازل‌های به هم ریخته این پرونده بتواند بخشی از این سوالات و اینکه چرا اصلا چنین قتلی اتفاق افتاده را مشخص کند.

انتشارعکس‌های رومینا

اولین پدر جنایت را شاید «بهمن خاوری» پسر مورد علاقه رومینا که پنجشنبه برای دومین بار به اتهام آدم‌ربایی دستگیر شد، در این پرونده کاشته باشد. زمانی که رومینا از خانه فرار می‌کند، بنا بر گفته خاله‌اش، بهمین اقدام به انتشار عکس‌های خود با دخترک در فضای مجازی می‌کند و همین موضوع خیلی زود از طریق برادرزاده قاتل به او اطلاع داده می‌شود. موضوعی که طبق گفته مادر رومینا خشم پدر را بر می‌انگیزد و او داس به دست خشم‌خانه بهمین می‌رود تا با دخترش را بکشد یا خانواده پسر را. این خشم دنباله‌دار و غیرت پدر از اینکه دخترش با پسری غریبه از خانه فرار کرده ادامه می‌یابد و در روز یکم خرداد با جنایتی هولناک زمانی که رومینا در کنار برادرش سه‌ساله‌اش خواب بوده، گره می‌خورد.

استیضاد پدر و فرار دختر

دومین عامل این جنایت را هم شاید بتوان تعصب بیش از اندازه پدر و در تنگنا قرار دادن دختر نوجوانش دانست. موضوعی که «رعنا دشتی» مادر مقتول به صراحت آن را در گفت‌وگویش با پایگاه خبری «گیل‌خبر» مطرح می‌کند و می‌گوید: «آن‌ها (رومینا و پدرش) رابطه صمیمانه‌ای با هم نداشتند. شوهرم او را دوست داشت اما محدودش هم کرده بود. او نمی‌گذاشت رومینا لباسی را که دوست داشت بپوشد و دخترم همیشه در

این گفت‌وگو در حالی پایان می‌یابد که رعنا دشتی قصاص شوهرش را از قانون درخواست می‌کند و می‌گوید که دیگر حاضر نیست با شوهرش زندگی کند.

آدم‌ربایی یا فرار خودخواسته؟ پنجشنبه‌ای که گذشت بهمین خاوری پسری که عامل فراری دادن رومینا بوده نیز مجدداً به اتهام آدم‌ربایی دستگیر شد. خاوری در ویدئوی منتشرشده در وبسایت همشهری آنلاین می‌گوید: «مرد همه به من سرکوفت می‌زند و می‌گویند مقصر قتل رومینا تویی. در حالی که رومینا خودش به من علاقه داشت. پدرش هم بارها به او مرگ‌موش داده بود و گفته بود خودت را بکش.»

او در جای دیگری از این ویدئو می‌گوید برخلاف آنچه شایع شده، سنش ۲۵ سال نیست. پیش از این برخی رسانه‌ها سن این مرد را ۳۵ و برخی دیگر ۲۸ سال ذکر کرده بودند. بهمین خاوری همچنین می‌گوید که پیش از این به جز رومینا با دختر دیگری در ارتباط نبوده و از دواج هم نکرده‌است. گرچه در فضای مجازی دلیل بازداشت مجدد بهمین «تحریک کردن» پدر رومینا اشرفی برای قتل دختر سیزده‌ساله‌اش بوده‌است اما جان‌احمد آقایی، معاون دادگستری گیلان پیش‌تر در روز پنجشنبه گفته بود که به پرونده قتل دختر چهارده‌ساله تالشی «به‌صورت ویژه» رسیدگی می‌شود.

ادامه واکنش‌ها

در این میان حساب توییتری «رحانه» منتسب به دفتر رهبر معظم انقلاب، مطلبی را در واکنش به ماجرای قتل رومینا اشرفی از سوی پدرش مطرح و بخشی از بیانات ایشان را درباره جایگاه زن و رهبر انقلاب سخت برای برخورد با خلیان منتشر کرد.

صفحه «رحانه» که بیشترین مطالب خود را درباره حوزه زن و خانواده در شبکه اجتماعی توییتر منتشر می‌کند، در واکنش به جریان رومینا اشرفی به نقل از رهبر انقلاب نوشت: «جامعه، هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی، باید با کسانی که تعدی به زن را حق خودشان می‌دانند، برخورد سخت بکند؛ قانون هم باید در این زمینه مجازات‌های سختی را پیش‌بینی کند»

پیش‌تر نیز معصومه ابتکار، معاون امور زنان رئیس‌جمهوری ایران پس از این واقعه در قبالی توییتری نوشت: «قوانین محکم در قبالی جنایات بازدارنده هستند. کاش تلاش دلسوزان زودتر نتیجه می‌داد. با پیگیری و درخواست دولت و مجلس لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در آخرین مراحل است.»



فرار رومینا من‌حالم خوب نبود که شوهرم به خانه آمد و خودش نهار را درست کرد. من هم به رومینا گفتم چای بگذارد. به آشپزخانه رفته بود تا چای بریزد که شوهرم گفت می‌رود به کمک رومینا تا دستش را نرسوزاند. چای را رومینا برایمان آورد و بعد از خوردن چای شوهرم خوابید و من هم خوابیدم. بعد از اینکه از خواب بیدار شدیم اثری از رومینا نبود.»

مادر مقتول ادامه می‌دهد: «خیلی به دنبالش گشتیم اما انگار آب شده بود. نامه‌ای که برایمان نوشته بود را پیدا کردیم. در نامه خطاب به پدرش نوشته بود، که تو که می‌خواستی من و خودت را بکشی؛ حالا هر کس برسد بگو رومینا مرده‌است. ما فکر می‌کردیم که بلایی سر خودش آورده تا اینکه پسر برادر شوهرم خبر آورد که رومینا با بهمین فرار کرده‌اند و عکس‌هایی را هم که بهمین از خودش گذاشته بود را نشانمان داد. همین شد که شوهرم داس برداشت و به قصد کشتن رومینا و خانواده بهمین به خانه‌شان رفت.

بعد از سه روز خبر پیدا شدن رومینا را پلیس داد. شوهرم قبل از اینکه رومینا پیدا شود یک‌بار می‌گفت که او را می‌کشد و یک‌بار هم می‌گفت اگر برگردد در خانه حبسش می‌کند. اما روزی که برگشت شوهرم او را کشت.»

قفل می‌کند. او هر چه به درمی‌کوبد تا اتفاقی برای دخترش نیفتد هیچ تأثیری نمی‌کند و آنچه نباید اتفاق بیفتد رخ می‌دهد و دخترک با داس به قتل می‌رسد.

بعد از قتل رومینای سیزده‌ساله در حویق شهرستان تالش رسانه‌های زیادی به سراغ اعضای خانواده این دختر نوجوان رفتند تا اطلاعات دقیق‌تری از این ماجرا به دست آورند. در این میان مصاحبه‌های گوناگونی از عمه، خاله، همسایگان و نیز مادر رومینا منتشر شد. برخلاف همه این گفت‌وگوها که اغلب در فضای مجازی بازتشر شد اظهارات اخیر رعنا دشتی مادر رومینا نیز بازخورد زیادی داشت. رعنا دشتی در گفت‌وگوی خود با پایگاه خبری گیل‌خبر که آن را فرارو منتشر کرده‌است می‌گوید: «آن‌ها (رومینا و بهمین) دو ماه بود که با همدیگر رابطه داشتند و ما از این موضوع بی‌اطلاع بودیم. وقتی آن ماجرای خواستگاری و فراری دادن رومینا مطرح شد و پدرش گوشی‌اش را گرفت من به شوهرم گفتم که گوشی‌را به او بدهد تا درس‌های مدرسه‌اش را چک کند و پدرش حرف نمی‌زد و معمولاً هر کاری که شوهرم می‌گفت انجام می‌داد. چند ساعت قبل از

ادامه اعتراضات به خشونت پلیس آمریکا

آمریکا | فارس | از دوشنبه هفته گذشته که یک افسر پلیس در آمریکا با گذاشتن زانو روی گلو «جورج فلوید» سیاه‌پوست چهل‌ساله او را به طرز فجیعی کشت. اعتراضات گسترده‌ای در شهر مینیاپولیس واقع در ایالت مینه‌سوتا آغاز شده‌است. معترضان با حمله به مرکز پلیس این شهر، این مکان را محاصره و به آتش کشیدند، تا جایی که آتش از طبقات آن زبانه می‌کشید. گارد ملی ایالت مینه‌سوتا حدود ۵۰۰ نظامی را برای سرکوب معترضان اعزام کرده‌است. شبکه «سی‌ان‌ان» اعلام کرد که در دو شهر بزرگ دیگر آمریکا نیز تظاهرات مشابهی رخ داده‌است.



دستگیری عاملان جنایت در کامیون مرگ فرانسه

فرانسه | یورونیوز | در همکاری بین پلیس فرانسه و بلژیک ۲۶ مظنون به قاچاق انسان در این دو کشور بازداشت شدند. این افراد در ارتباط با کشته شدن ۲۹ ویتنامی که سال گذشته در یخچال یک کامیون حمل مواد غذایی در برتانیا کشته شدند، تحت تعقیب قضایی قرار داشتند و کمتر از یک‌سال پس از یافتن این «کامیون مرگ» بازداشت شدند. به گفته دادستانی بلژیک در میان ۱۳ بازداشتی، ۱۱ ویتنامی و ۲ مراکشی وجود دارند. گفته می‌شود که مظنونان بخشی از یک گروه جنایات سازمان یافته هستند که پناهجویان را از آسیا به ویژه از ویتنام قاچاق می‌کرده‌اند.

جدول شماره ۲۹۳۹

کتاب عکس‌های رضادقتی	عقیم بوئتمان	بالا پر خودرو پدید زنگ لطافت	رسم خوشگذرانی متن	رودار و پایایی شهر مذهبی واحد اکتسن	حرف همراهی مراقب مطرود	شیر خوردنی مشک خالص خواب شیرین	اب ترکی راز رنگین کمان
فیلم کوتاه تبلیغاتی دوره زمین‌شناسی		ارزیاب ابزار صید استرالیایی		از انواع سبب اسب زرد	هماهنگی موسیقایی یکدندگی		ترمز کشتی
پول چین	یول چین	ویران شده	جانماز عصر	تشرزدن	طناب صنم	بازرگان	مدور برنجی مدور
خوراکی از سوسیس شهر اصفهان	گیاه کتبورا امام	حیوان ملوس مخفف از ان	انکرا الاصوات نشان مفعول	صوت ندا			
نگاه خیره پرستار مهنز کردن	نیکان قلز جهنده	مجرای تخلیه آب پشت‌بام					

پاسخ جدول ۲۹۳۹

shahr.puzzle@shahraram.com

طراح: محمدرضا علیرزاده